

به نام خدا

# بحران شهروندی در آتن: مهاجرت، رسانه و هویت

نویسنده:

آفرودیتی ماریا کولاکسی

مترجمان:

علی اشرف نظری

(دانشیار دانشگاه تهران)

پرهام پوررمضان

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : علی اشرف ، نظری ، ۱۳۵۸  
عنوان و نام پدیدآورندگان : بحران شهروندی در آتن: مهاجرت، رسانه و هویت / مترجمان علی  
اشرف نظری - پرهام پوررمضان  
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری : ۱۸۸ ص.  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۸۹۲-۶  
شناسه افزوده : پوررمضان ، پرهام ، ۱۳۷۱  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه.  
موضوع : بحران شهروندی - آتن - مهاجرت، رسانه و هویت  
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳  
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : بحران شهروندی در آتن: مهاجرت، رسانه و هویت  
مترجمان : علی اشرف نظری - پرهام پوررمضان  
ناشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر  
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴  
چاپ : زبرجد  
قیمت : ۲۵۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۸۹۲-۶  
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست

|         |                                                                               |
|---------|-------------------------------------------------------------------------------|
| ۷.....  | قدردانی ها                                                                    |
| ۱۱..... | فصل یکم : مقدمه                                                               |
| ۱۴..... | پژوهشی میان رشته‌ای و مبتنی بر گفت‌وگو                                        |
| ۱۹..... | سازماندهی پژوهش                                                               |
| ۲۴..... | رویکرد نظری پژوهش                                                             |
| ۲۴..... | بحران                                                                         |
| ۲۸..... | هویت                                                                          |
| ۳۰..... | هویت های میانجی شده                                                           |
| ۳۳..... | هویت شهروندی در پرتو غیریت                                                    |
| ۳۶..... | مواجهه ها                                                                     |
| ۴۹..... | فصل دوم : پذیرش حساسیت مردم شناسانه                                           |
| ۵۱..... | چارچوب یونان: اسطوره همگنی ملی، بحران‌های مرکب و فضای کیپسلی                  |
| ۵۸..... | رویکرد به «هویت شهروندی» به مثابه امری که در عمل و در گفتمان در حال تغییر است |
| ۵۹..... | ملاحظات اخلاقی در پژوهش میدانی                                                |
| ۶۲..... | بازتاب پذیری                                                                  |
| ۶۳..... | موقعیت یابی پژوهشگر                                                           |
| ۶۷..... | دلیل انتخاب شرکت کنندگان یونانی از نظر قومی چیست؟                             |
| ۶۹..... | فصل سوم :انگاره‌های بحران: فراتر از گسست از نابرابری ها                       |
| ۷۱..... | اطلاعات نادرست و ناامنی‌های هستی‌شناختی                                       |
| ۸۲..... | روایت قربانی بودن و بیگانه‌هراسی                                              |
| ۹۱..... | جهان‌وطنی و امید                                                              |

|                                                                                   |     |
|-----------------------------------------------------------------------------------|-----|
| نقشه‌نگاری بازان‌دیشی بحران .....                                                 | ۹۸  |
| <b>فصل چهارم : فرهنگ زدایی و اروپامحوری؛ پیش به سوی نولیبرالیسم ملی‌گرا .....</b> |     |
| در میانه فمینیسم عامه‌پسند و فمونیاسیونالیسم .....                                | ۱۰۳ |
| نژادپرستی در زندگی روزمره و هنجارسازی دیدگاه اروپامحور .....                      | ۱۱۱ |
| دیگری نوآور و برجسته .....                                                        | ۱۲۱ |
| پدیده یونانی در بسکتبال حرفه‌ای آمریکا .....                                      | ۱۲۱ |
| نمونه برجسته‌ای از جامعه مهاجران .....                                            | ۱۲۵ |
| عرصه بازان‌دیشی فرهنگی .....                                                      | ۱۳۱ |
| <b>فصل پنجم: هم‌زیستی‌های برساخته: روایتی از مهمان‌نوازی و خصومت .....</b>        |     |
| پیوندهای همبستگی در عرصه‌های خردعمومی .....                                       | ۱۳۵ |
| تجربه‌های بصری به‌عنوان مواجهه .....                                              | ۱۳۵ |
| دیوارنوشته‌های همبستگی‌آفرین .....                                                | ۱۳۶ |
| پروژه‌های سینمایی جوانان: برقراری ارتباط فراسوی تفاوت‌های قومی .....              | ۱۳۸ |
| پیوندهای احساسی و همبستگی اجتماعی .....                                           | ۱۴۰ |
| گفت‌وگوی میدانی در بازار شهرداری کیپسلی .....                                     | ۱۴۵ |
| دارایی‌های مشترک شبکه‌ای .....                                                    | ۱۴۷ |
| هم‌زیستی مشروط در سایه‌ی ناسیونالیسم نئولیبرال .....                              | ۱۵۳ |
| دیگری جذب‌شده: «یونانی شدن» .....                                                 | ۱۵۳ |
| آپارتاید یونانی: منطق نئولیبرالی استثنای آشنا و نژادی در نظم اجتماعی .....        | ۱۵۷ |
| در هم‌نشینی نژاد و نئولیبرالیسم .....                                             | ۱۵۹ |
| چشم‌اندازی از انعکاس‌پذیری هم‌زیستی .....                                         | ۱۶۲ |
| <b>فصل ششم: نتیجه‌گیری .....</b>                                                  |     |
| نتایج نظری .....                                                                  | ۱۶۶ |

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۱۶۹ | تصور تجسم یافته .....                        |
| ۱۷۰ | سه لایه بازتابی بودن .....                   |
| ۱۷۲ | سه سوژه بازتابی و گفتمان‌های هویتی .....     |
| ۱۷۶ | گفتمان هویت ملی نئولیبرال .....              |
| ۱۷۸ | گفتمان هویت اروپامحور و سفیدپوستی .....      |
| ۱۷۹ | گفتمان هویت اجتماعی-طبقاتی .....             |
| ۱۸۱ | گفتمان هویت شهروند جهانی .....               |
| ۱۸۲ | گفتمان هویت پوپولیستی-ملی‌گرا .....          |
| ۱۸۳ | نتیجه‌گیری و چشم‌انداز پژوهش‌های آینده ..... |



## قدردانی ها

اگرچه این کتاب تنها به نام من منتشر شده است، اما برای تکمیل آن؛ مسیری طولانی پیموده شده و حاصل مشارکت افراد زیادی بوده است. این کتاب متعلق به کسانی است که در طول سال‌های تحقیق و نگارش، از من حمایت کرده، انگیزه داده و الهام‌بخش من بوده‌اند. پیش از هر چیز، از اساتید راهنمای دوره دکتری خود، میریا گئورگیو و لیلی چولیاریکی، سپاسگزاری می‌کنم. تحقیقات میریا در زمینه بررسی نقش رسانه‌ها و ارتباطات در ساخت معانی هویت، عمیقاً برای من الهام‌بخش بوده است. میریا مرا فراتر از آنچه تصور می‌کردم قادر به انجامش باشم، هدایت کرده است. راهنمایی‌های مستمر، بازخوردهای سازنده و دلگرمی‌های او در تمام طول مسیر، پشتیبان من بوده‌اند. نمی‌توانم به اندازه کافی از او برای تمامی فرصت‌هایی که در اختیارم گذاشت تا رشد کنم و جایگاه علمی خود را بیابم، سپاسگزاری کنم. سال‌ها پیش از آنکه در مدرسه اقتصاد لندن<sup>۱</sup> تحصیل کنم، لیلی الهام‌بخش من بود. شور فکری او برای من انگیزه‌بخش بود و بینش‌های او در زمانی که برای یافتن مسیر خود دچار تردید بودم، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.

مایلم سپاس صمیمانه خود را از پروفیسور انجین ایسین و پروفیسور اوژینا سیاپرا برای بازخوردهای دقیق و سازنده‌شان در جریان دفاع از رساله دکتری‌ام ابراز کنم. تخصص، راهنمایی و دلگرمی‌های ایشان منبع الهام بزرگی برای من بوده است. سپاس گرم خود را نیز به لی ادواردز ابراز می‌کنم که در شکل‌گیری پروژه‌ام بازخوردهای ارزشمندی ارائه کرد و نظرات خود را درباره پیش‌نویس‌های اولیه این کتاب بیان نمود. از سونیا لیوینگستون بسیار سپاسگزارم؛ نکات و اظهارات ایشان در روند توسعه پروژه من بنیادین بوده است. دکتر آنجلس کیساس شایسته قدردانی فراوان است، چرا که به‌عنوان یک راهنما و دوست عالی همواره با دغدغه‌های من همدل بود و مرا راهنمایی کرد. همچنین، از همکارانم که در طول سال‌های دکتری پروژه من را مورد بحث قرار دادند نیز بسیار سپاسگزارم؛ دکتر رام بهات، دکتر وانسا چیکونه، دکتر زوئی گلت، دکتر کت هیگینز، دکتر جسیکا کانگ، دکتر سباستین لهوده، دکتر لودمیللا لوپیناتچی، دکتر الئونورا ماریا مازولی، دکتر رودریگو مونوز-گونزالز، دکتر میریام راهالی، دکتر راب شارپ و دکتر ریچارد استوپارت. قدردانی بسیار ویژه‌ای از همکارانم در مدرسه اقتصاد لندن دارم که در طول سال‌ها به

---

<sup>۱</sup>-LSE

دوستان خوبی برایم تبدیل شده‌اند، به‌ویژه اما سامرز و فیلیپ رابر. سپاس استثنایی نیز از دکتر جسیکا کانگ دارم که از ابتدای این مسیر، دوست و همکار نزدیکی برای من بوده است. مایلیم قدردانی خود را از تمامی شرکت‌کنندگان در کیپسیلی<sup>۱</sup> ابراز کنم که با گفتگوهایمان و به اشتراک گذاشتن زندگی روزمره‌شان با من، همکاری نمودند. این کتاب بدون مشارکت ارزشمند آنان هرگز به زیور طبع آراسته نمی‌شد. برای همیشه مدیون همسایگانم در کیپسیلی، ماریتا اوواجلوپولو، فیدرا هاتزینیکولا، دافنه هاتزینیکولا، دیمیتریس هاتزینیکولاس هستم که همچون خانواده‌ای برای من بوده‌اند و لحظات شگفت‌انگیزی را با من شریک شدند که همیشه در قلبم حفظ خواهم کرد. از ساواس کنستانتینو و زوئی پاترجیاناکی برای لحظات خوشی که در طول پژوهش میدانی‌ام در آتن با هم گذراندیم، سپاسگزاری می‌کنم. همچنین هرگز روزهایی را که با عموهایم، میخالیس و واسو تئولوگو، گذراندیم فراموش نخواهم کرد؛ گفت‌وگوهای طولانی‌مان، صبحانه‌هایی که به ناهار تبدیل شد و ناهارهایی که به شام انجامید بسیار خوشحالم که این فرصت را داشتم تا در همان شهر با آن‌ها زندگی کنم و جبران سال‌هایی را که دور از یکدیگر زیسته‌ایم، بکنم.

دوستانم سال‌ها پیش از نگارش این کتاب در کنار من بوده‌اند، اما نقش آن‌ها در این فرایند اهمیت بیش‌تری یافته است. از آنتونیس دیمیتریادیس، واسیلی گاروانوف، ساواس کنستانتینو، ماریا موزاکیاری، سیمونا پتکوا، کالیویی استاوراتی، یوتا استراپاتسالو، سوفیا سیسولو و فیدرا تریکیدو سپاسگزارم. سپاس ویژه از واسیلی گاروانوف برای مطرح کردن پرسش‌های چالش‌برانگیزی که به‌طور عمیقی این اثر را غنی کرده‌اند و از آنتونیس دیمیتریادیس برای حمایت در بازبینی هر بخش از کار پیش از ارائه آن. برای نوشتن درباره‌ی همه شما به کتاب دیگری نیاز خواهم داشت، اما باید همین‌جا بحث را جمع کنم. هر یک از شما می‌دانید که دوستی‌مان برای من ارزش بی‌نهایتی دارد سپاسگزارم.

از والدینم، الهپیدا و دیمیتریس، به‌خاطر عشق بی‌قید و شرطشان و نشان دادن معنای این که چطور از همان ابتدا کاری را با شور و پشتکار انجام دهم، عمیقاً سپاسگزارم. این کتاب به‌ویژه به مادر عزیزو مرحوم تقدیم می‌شود، کسی که بیش از هر کس دیگری در جهان برای آن اهمیت قائل بود. اگرچه او زنده نماند تا انتشار آن را ببیند، ایمان و عشق او همواره الهام‌بخش من خواهد بود. مادر بزرگم، آفروولا، همیشه از طریق اسکایپ در زمان استراحت‌هایم کنارم بود و داستان‌ها

---

<sup>۱</sup> - مترجمان: کیپسیلی؛ نام یک منطقه در شهر آتن، پایتخت یونان است. این محله به‌خاطر ترکیب جمعیتی متنوع، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و زندگی شهری پر جنب‌وجوش شناخته شده است در اینجا منظور این است که پژوهش با ساکنان این محله و زندگی روزمره آن‌ها مرتبط بوده است.



و خنده‌هایش را با من شریک می‌شد. همچنین مایلم از تمیستوکلیس و زوئی برای دلگرمی، محبت و مهربانی‌شان در طول این مسیر قدردانی کنم. از آندریاس، همسرم، که در تمام این سال‌ها در لحظات دشوار و آسان کنارم بود و دستم را گرفته بود، عمیقاً سپاسگزارم. بیش از هر کس دیگری، آندریاس ایمان داشت که این کتاب حتی در لحظات سخت که خودم به توانایی‌هایم تردید داشتم، فعلیت خواهد یافت. عشق و حمایت او همواره به من نیرو می‌داد تا در روزهای خوب و نه‌چندان خوب این مسیر ادامه دهم برای همیشه مدیون او هستم.



## فصل یکم :

### مقدمه

من معمولاً به مادر بزرگ عزیزم، ماریکا، می‌گفتم: «حالا نوبت توست که یونانی یاد بگیری، حداقل اینکه یاد بگیری چطور نامت را بنویسی. من می‌توانم به تو یونانی یاد بدهم و تو هم می‌توانی برایم از داستان‌های واقعی روزهایی بگویی که نخستین بار در سال ۱۹۲۲ به عنوان پناهنده به تسالونیک<sup>۱</sup> رسیدی.» این را زمانی به او می‌گفتم که در پایه اول دبستان ثبت‌نام کرده بودم و متوجه شدم او نمی‌تواند زیرنویس فیلم‌های خارجی را بخواند یا حتی نام خود را به زبان یونانی بنویسد. آن روز، روزی بود که با یکدیگر به توافق رسیدیم. برخورداری از امتیاز زندگی کردن در کنار او عملاً به این معنا بود که هر روز پس از بازگشت از مدرسه، نسخه‌های اضافه‌ای از تکالیفم را برای او به خانه می‌آوردم.

ماریکا در ده‌سالگی، در سال ۱۹۲۲، به دلیل جنگ یونان و ترکیه (۱۹۱۹-۱۹۲۲) ناگزیر شد شهر قسطنطنیه را ترک کرده و در تسالونیک خانه‌ای تازه برای خود بیابد. تعداد پناهجویان تقریباً به ۱۲۰،۰۰۰ نفر می‌رسید (Agtzidis, 2018). پس از ورود، خانواده او در کلبه‌ای واقع در بخش بالایی شهر، «آنو پولی»، در اطراف ویرانه‌های قلعه بیزانسی، پناه گرفتند. او در پایه اول دبستان ثبت‌نام شد و به‌عنوان مسن‌ترین دانش‌آموز کلاس، با اظهارنظرهای بی‌احترامه‌ای از سوی هم‌کلاسی‌ها و حتی معلمان مواجه شد. احساس انزوا در مدرسه، همراه با بیگانگی از جامعه کوچک و یک‌دست ساکنان یونانی محله‌اش، در او تشدید شد.

با توجه به وضعیت پناهندگی و پیشینه خانوادگی‌اش و در نتیجه محدودیت گزینه‌های پیش‌رو، او به‌عنوان خدمتکار مشغول به کار شد و کفش‌های مالکان «ویلا بیانکا» را واکس می‌زد؛ عمارتی مشهور در قلب تسالونیک که محل سکونت دینو فرناندز دیاس، بازرگانی ثروتمند، و همسرش بلانش (بیانکا) می‌ر بود. ماریکا نه تنها به سبب وضعیت مالی و شغل کم‌اعتبارش به‌عنوان «دیگری

<sup>۱</sup> - مترجمان: در اینجا، تسالونیک اشاره دارد به شهری که مادر بزرگ نویسنده در سال ۱۹۲۲ به عنوان پناهنده به آنجا رسیده است. این زمان، مقارن با جنگ یونان و ترکیه (۱۹۱۹-۱۹۲۲) و مبادله اجباری جمعیت میان یونان و ترکیه بود، زمانی که بسیاری از یونانیان آسیای صغیر (از شهرهایی مانند ازمیر و آیدین) به یونان مهاجرت کردند.

<sup>۲</sup> - A diminutive name of Maria in traditional societies of Poland, Greece, and Japan and rarely found nowadays in a Greek urban context.

نزدیک<sup>۱</sup> مورد رفتار تبعیض‌آمیز قرار می‌گرفت، بلکه از سوی ساکنان بومی «آنو پولی» نیز با خصومت و دشمنی مواجه بود. دو واژه به طور خاص، در حافظه او نقش بسته بود برچسب‌هایی که شهروندان یونانی بر او و دیگر یونانیان آناتولی که از جنگ گریخته بودند می‌زدند؛ (تورکوسپوروی) «دانه‌های تُرک»<sup>۲</sup> و (پاستریکیس) که به معنای لفظی «زن بسیار پاکیزه»، اما در کاربرد معمول، برای توصیف «زن بی‌اخلاق» به کار می‌رفت. هر دو واژه، بیانگر رویکرد تبعیض‌آمیز و تحقیرآمیز شهروندان نسبت به تازه‌واردان از آسیای صغیر بود.

در شش‌سالگی، هنوز نمی‌توانستم معنای واژه‌های «مهاجر» یا «پناهنده» را درک کنم، اما اینکه ماریکا یونانی بود، با این حال در کشور همسایه‌ای به دنیا آمده و ناچار شده بود آن را بدون هیچ‌یک از دارایی‌هایش ترک کند، کنجکاوی مرا برانگیخت. این وضعیت همچنین در من نوعی «بحران هویت» ایجاد کرد که هر بار ماریکا مرا «شیطان» خطاب می‌کرد تا از انجام تکالیفی که به او داده بودم طفره رود، یا هر زمان که موجب رنجش می‌شدم با صدای بلند به ترکی سخن می‌گفت، این بحران تقویت می‌شد. همواره از خود می‌پرسیدم: «من کیستم؟»، «آیا خانواده‌ام یونانی هستند یا ترک؟» از آن‌جا که نمی‌توانستم هویتِ مادرِ مادرِ بزرگم و همچنین هویتِ خود را تعریف کنم، کنجکاوی‌ام برای دانستن این‌که چرا او ناچار به ترک سرزمینش شد، چگونه توانست پناهگاهی بیابد، و ساکنان شهر میزبان او چه نگرشی نسبت به وی داشتند، بیشتر شد. هدف من، این نیست که ادعا کنم علاقه‌ام به مهاجرت به‌عنوان موضوعی پژوهشی، مستقیماً از روایت‌های مادرِ مادرِ بزرگم نشأت گرفته است؛ اما از آن‌جا که در میان داستان‌های این مردم رشد کردم، هویت پژوهشی من از همان سال‌های نخستین زندگی‌ام آغاز به شکل‌گیری کرد.

چشم‌انداز سیاسی کنونی، به‌ویژه پس از انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۲۴، تصویری گویا از چگونگی دگرگونی برداشت‌ها نسبت به مهاجرت و حس تعلق در سراسر اروپا در زمان نگارش این کتاب ارائه می‌دهد. در یونان، احزاب راست افراطی موفق به کسب چهار کرسی شدند و بدین ترتیب نفوذ خود را در شکل‌دهی به سیاست‌های مهاجرتی افزایش دادند. حزب آزادی اتریش، به رهبری هربرت کیکل، با کسب ۲۵٫۴ درصد آراء به‌عنوان گفتمانی پیشرو ظهور کرد و بدین‌سان، گفتمان ضد مهاجرتی را بیش از پیش تقویت نمود. در فرانسه، که زمانی پایگاه مستحکمی برای

<sup>۱</sup> - مترجمان: منظور این است که پناهنده‌ای فقیر و مهاجر از قسطنطنیه بود

<sup>۲</sup> - مترجمان: به بیان ساده، این واژه می‌خواهد بگوید: «تو ریشه‌ای به ترک‌ها داری» یا «تو از کسانی هستی که با ترک‌ها اختلاط داشته‌اند» و این به عنوان برچسب تحقیرآمیز و دیگرسازی برای تازه‌واردان یونانی آناتولی استفاده می‌شد.

گروه میانه‌رو «تجدید اروپا»<sup>۱</sup> به‌شمار می‌رفت، اکنون ۳۰ نماینده در گروه «هویت و دموکراسی» و ۱۳ نماینده در «تجدید اروپا» وارد پارلمان جدید می‌شود. در این میان، جورجیا ملونی همچنان نفوذ قابل‌توجهی در ایتالیا دارد و حزب «آلترناتیو برای آلمان»<sup>۲</sup> با رشد چشمگیر و حمایت فزاینده، ۱۵,۹ درصد آراء را کسب کرده است. حتی در هلند، حزب آزادی به رهبری گرت ویلدرس نیز موقعیت خود را به‌طور قابل‌توجهی تقویت کرده و با هفت نماینده وارد پارلمان اروپا شده است. (European Parliament 2024). این تحولات نشان‌دهنده‌ی گرایشی قابل‌توجه به سمت ملی‌گرایی و سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه‌تر است که ارزش‌های وحدت و آزاداندیشی را به چالش می‌کشند. این حضور فزاینده‌ی راست افراطی در پارلمان اروپا نشان‌دهنده‌ی بازنگری گسترده‌تر اروپا در برابر مسئله مهاجرت است، که اغلب در پرتو بحران‌های بزرگ‌تر مانند تهاجم روسیه به اوکراین و جنگ مستمر اسرائیل با فلسطین به‌عنوان تهدید تلقی می‌شود. خصوصیت نسبت به مهاجران همچنان یک مسئله حیاتی است که گفتمان قاره اروپا را شکل می‌دهد و ترس‌ها از تغییرات جمعیتی و اجتماعی را تشدید می‌کند.

با توجه به سفر مادرِ مادر بزرگم در اوایل دهه ۲۰۰۰ و آنچه «بحران مهاجرت» نامیده می‌شود که از سال ۲۰۱۵ در یونان آغاز شد، این تحولات آگاهی من را نسبت به پیچیدگی تعامل میان شهروندان و مهاجران افزایش داده است. هرچند نگرانی‌های شهروندان اروپا ناشی از آسیب‌پذیری‌های موجود قابل‌توجه است، اما تجربه مواجهه با تازه‌واردان نیز هویت آن‌ها را دستخوش تغییر می‌کند. هویت یک «شهروند» چگونه وقتی با ورود «مهاجر»، یعنی غیرشهروند، روبه‌رو می‌شود، دگرگون می‌شود؟ این تعاملات موجب تغییر دوگانه می‌شوند، به‌طوری که تنها مهاجر نیست که خود را با محیط جدید وفق می‌دهد، بلکه شهروندان میزبان نیز با بازتنظیمی هویت خود در چشم‌انداز همیشه در حال تغییر اروپا مواجه می‌شوند.

<sup>۱</sup> - مترجمان: گروه «تجدید اروپا» یا (Renew Europe) نام یکی از گروه‌های سیاسی در پارلمان اروپا است. این گروه در سال ۲۰۱۹ شکل گرفت و جایگزین گروه پیشین موسوم به ائتلاف لیبرال‌ها و دموکرات‌ها برای اروپا شد.

<sup>۲</sup> - مترجمان: گروه «هویت و دموکراسی» یا (Identity and Democracy) یکی از گروه‌های سیاسی راست افراطی و ملی‌گرا در پارلمان اروپا است.

<sup>۳</sup> - مترجمان: حزب «آلترناتیو برای آلمان» (Alternative für Deutschland) یک حزب راست‌گرای ملی‌گرا و پوپولیستی در آلمان است که در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد.

### پژوهشی میان‌رشته‌ای و مبتنی بر گفت‌وگو

برخلاف ایده‌ی «نابودی» فرهنگ و هویت که در آثار پایان تاریخ (۱۹۸۹) و پایان تاریخ و انسان واپسین (۱۹۹۲) مطرح شده است، جمعیت‌های مهاجر در اروپا مرزها و هویت‌های فرهنگی شهروندان بومی را دگرگون کرده‌اند. فرانسویس فوکویاما در کتاب «هویت: جستجوی کرامت و سیاست ناخشنودی» (۲۰۱۸)، به یک انقلاب فرهنگی و سیاست‌های هویتی معاصر می‌پردازد. از بحران انسانی و اوج نمادین آن‌چه به «بحران مهاجرت» مشهور شد در سال ۲۰۱۵ تا بن‌بست مرزی با ترکیه در سال ۲۰۱۹، پس از آن‌که رئیس‌جمهور رجب طیب اردوغان مرزهای این کشور را به روی اروپا گشود، بحث‌های داغی در رسانه‌ها در خصوص تعاملات میان‌فرهنگی، افزایش اسلام‌هراسی و برخورد معاصر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها شکل گرفت. (Fekete 2009; McGhee, 2008)

در حالی که این مقدمه را می‌نویسم، یک حادثه ترسناک چاقوکشی در یک استیج رقص در ساوت‌پورت، انگلستان که منجر به کشته شدن سه کودک شد، احساسات ضداسلامی موجود را برانگیخته و پس از انتشار اطلاعات نادرست در شبکه‌های اجتماعی از جمله (X) که پیش‌تر توییتر نام داشت و تیک‌تاک، به شورش‌های بی‌سابقه‌ای انجامیده است. گزارش‌های نادرست؛ مدعی شده‌اند که عامل این حادثه یک مهاجر مسلمان بوده است، با وجود آن‌که مقامات تأیید کردند که مهاجم نه مسلمان بوده و نه مهاجر.

این حادثه، با واکنش فوری اسلام‌ستیزانه‌اش، نشان می‌دهد که «اطلاعات نادرست در بستر برخط نمی‌تواند نفرت ایجاد کند (تأکید از نویسندگان؛ Chouliaraki and Higgins 2024)، بلکه در واقع شکاف‌های اجتماعی پیشین ایجاد شده توسط دولت‌های غربی به ویژه در ایالات متحده و بریتانیا که بر اساس نژاد و قومیت شکل گرفته را آشکار و تشدید می‌کند.

در یک نگاه جهانی و گسترده‌تر، مهاجرت در دنیایی که به‌طور فزاینده‌ای به هم متصل است چه به دلایل همچون تغییرات اقلیمی، جنگ یا بحران‌های سیاسی؛ ما را وادار می‌کند تا پارادایم‌های شهروندی را در مناطقی فراتر از اروپا نیز مورد بازنگری قرار دهیم. بحران روهینگیا<sup>۱</sup> به‌ویژه پس از خشونت‌های اوت ۲۰۱۷، نمونه‌ای روشن از چگونگی کنار گذاشته شدن سیستماتیک و ابزارگونه

<sup>۱</sup> - مترجمان: بحران روهینگیا به وضعیت انسانی و سیاسی پیچیده‌ای اشاره دارد که مربوط به اقلیت مسلمان روهینگیا در ایالت راخین میانمار است این بحران شامل تبعیض قانونی و اجتماعی است و هم خشونت فیزیکی و آوارگی اجباری علیه این اقلیت مذهبی

هویت‌های قومی و دینی ارائه می‌دهد. (Kipgen 2019) روهینگیا، بحرانی است که یک اقلیت مسلمان در میانمار، با پاک‌سازی قومی مواجه شده‌اند و ۷۰۰،۰۰۰ نفر از آن‌ها به کشور همسایه بنگلادش آواره شده‌اند. در حالی که در ابتدا جمعیت محلی بنگلادش پذیرای روهینگیا بود؛ اما اکنون میان ناامیدی و امیدواری در نوسان است، زیرا دولت میانمار همچنان روهینگیا را «بنگالی»‌هایی می‌داند که به‌طور غیرقانونی مهاجرت کرده‌اند و عملاً حق شهروندی آن‌ها را انکار می‌کند. (Uddin 2024).

در همین راستا، از سال ۲۰۱۷، وضعیت برزیل در قبال ۸۰۰،۰۰۰ پناهنده ونزوئلایی که پس از فروپاشی اقتصادی ونزوئلا فرار کرده‌اند، با تردید همراه بوده و همزمان با ابتکارات انسان‌دوستانه و تنش‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در ایالت شمالی رورایما، که اصلی‌ترین دروازه ورود مهاجران از ونزوئلا به برزیل است، مشخص می‌شود. در حالی که دولت برزیل «عملیات آکولیدا»<sup>۱</sup> را اجرا کرده است، (GFMD 2023) با وجود ارائه نیازهای اساسی مانند غذا، سرپناه، خدمات بهداشتی و حمایت‌های قانونی، اردوگاه‌های پناهندگان در رورایما توسط ساکنان محلی مورد حمله قرار گرفته‌اند؛ این واکنش ناشی از افزایش نگرانی‌هاست که پناهندگان؛ «مشکل‌زا» یا یک «وضعیت اضطراری»<sup>۲</sup> قلمداد می‌شوند دیدگاه‌هایی که ریشه در نظام سلطه اروپامحور دارند (Sarmiento ۲۰۲۲).

در زمینه جابه‌جایی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی، در نوامبر ۲۰۲۳، استرالیا توافقنامه‌ای مهم با تووالو امضا کرد که بر اساس آن سالانه تا ۲۸۰ نفر می‌توانند برای زندگی، کار و تحصیل به استرالیا مهاجرت کنند. (BBC News, 2023) در حالی که این اقدام گامی قابل توجه در مواجهه با پیامدهای تغییرات اقلیمی برای کشورهای کوچک جزیره‌ای در حال توسعه در اقیانوس آرام محسوب می‌شود، البته؛ هم‌زیستی میان تووالوئی‌ها و استرالیایی‌ها هنوز در عمل مشاهده نشده است؛ همچنان؛ نگرانی‌هایی نیز ممکن است درباره حفظ هویت تووالوئی‌ها مطرح شود و یا این توافقنامه به‌عنوان شکلی از «استعمار نوین» تلقی گردد.

<sup>۱</sup> - مترجمان: عملیات آکولیدا» (به پرتغالی: Operação Acolhida؛) برنامه‌ای است که توسط دولت برزیل از سال ۲۰۱۸ برای مدیریت ورود و استقرار پناهندگان ونزوئلایی اجرا شده است. و با هدف پشتیبانی از پناهندگان و مدیریت بحران مهاجرت در مرزهای شمالی برزیل اجرا می‌شود.

<sup>۲</sup>-SIDS